

روشهای کهن تاریخ‌نگاری تکیه بر نقل روایات از زندگی و محیط جغرافیایی انسان دارد. غالب تاریخ‌نگاران بدون ذکر ماخذ و منبع خبر با استفاده از اقوال شفاهی، مسموعات و نوشته‌های مورخان پیشین که آنها نیز به همین منوال عمل کرده‌اند به نگاشتن تاریخ اقدام نمودند. به رغم اینکه بسیاری از اندیشمندان درخصوص فواید تاریخ، شیوه‌های آن، چگونگی تحولات و تغییرات و نیز در خصوص دولت و تمدن مباحث ارزشمندی ارائه داده‌اند اما تا سده پیشین هیچ اصلی که نشانگر دقت نظر و ریشه‌یابی حوادث از سوی اکثریت مورخان باشد صورت نگرفت. گمان می‌رود که انگیزه بعضی از آنان ایجاد سرگرمی، خلق اصالت تبار و نژاد برای اقوام، نژادها یا حکام مشروعیت بخشیدن به حاکمیت‌ها، قهرمان‌پروری و دهها انگیزه شخصی دیگر بوده است و به همین دلیل روایات و سخنان خلاف عقل و استدلال در کتب تاریخی کهن به فراوانی یافت می‌شود.

تحول در نگرش به علوم و ارائه تقسیم‌بندی و تعریف دقیق از آنها، قلمرو و روش‌شناسی علوم، علوم انسانی را به حوزه‌های متعددی تقسیم نمود که در نتیجه هرکدام با روش‌شناسی خاص خود تعریف شدند و با وجود اشتراکات بسیار، اختلافهایی که حکایت از ویژگی هر یک از آن دانشها و علوم داشت معین گردید. چنانکه می‌دانیم پاره‌ای از علوم انسانی صرفاً مباحث عقلی - استدلالی دارند مانند فلسفه، منطق و کلام و پاره‌ای مبتنی بر مشاهده و تجربی هستند مانند روانشناسی و علوم رفتاری و پاره‌ای دیگر تحقیقی - استدلالی می‌باشند و با مطالعات میدانی، پیمایشی، مشاهده مصاحبه، توصیفه استدلال و... سر و کار دارند. تاریخ از جمله علمی است که از تمام شیوه‌های یاد شده بهره می‌جوید و سرانجام با انتخاب مورخ از یافته‌ها و داده‌ها به نگارش درمی‌آید

و به گونه‌ای است که هیچگاه هیچ مورخی گوینده سخن نهایی نمی‌تواند باشد و راه برای تحقیقات تکمیلی همواره گشوده می‌ماند.

اگرچه تاریخ‌نگاری اروپا با اصلاحات منه‌بی دچار تحول شد و نهضت رنسانس جان تازه‌ای در آن دمید و از خاطره‌نویسی و نقل وقایع به بررسی روابط دولت و ملت و ریشه‌یابی علل وقوع انقلابها و ظهور و سقوط دولتها روی آورد، معذالک تاریخ‌نگاری ایران همچنان در بند نقل بدون تحقیق حوادث باقی ماند و لاقلاً تا عصر مشیرالدوله پیرنیا این شیوه کمبیش ادامه یافت. اما با ورود پیرنیا به عرصه تاریخ‌نگاری و نگرش تحول در تاریخ‌نگاری ایران هموار شد. ظهور تاریخ‌نویسانی چون عباس اقبال، خانبایبانی، مجتبی مینوی، ملک‌الشعرا یه‌ار و دهها چهره ادبی - تاریخی به مند این تغییر و تحول در نگرش به روش‌شناسی تحقیق تاریخ میسر گردید. بسیاری از کسانی که پس از پیرنیا به تاریخ‌نگاری پرداختند از قالب حوادث سیاسی عبور کردند و به سایر مسائل زندگی بشری پرداختند. بررسی احوال شعرا، ادبیات و هنر، مذهب، تحولات اقتصادی و اجتماعی و دهها مسئله دیگر پیامد این تحول به‌شمار می‌آید. معینا بسیاری از آنان همچنان در قالب تاریخ‌نگاری کلاسیک محصور مانده و به همان سبک و سیاق پیشین و یا بر اساس ملاحظات سیاسی، تقسیمات تاریخ ایران بر اساس ظهور و سقوط سلسله‌ها را دنبال کرده و در بسیاری از مواقع فقط به کلیت پرداختند و کمتر مورخی حاضر به شکستن برخی از قالبهای کهن بود. حتی کسانی که تلاش در ارائه تصویر جدیدی از تاریخ اجتماعی ایران، متفاوت با تاریخ‌نگاری مرسوم، داشتند کار مهمی جز تقلید از برخی مورخان خارجی یا ارائه مطالبی بصورت چسبانن چند نظر کنار هم نکردند. از اینرو به نظر می‌رسد لازم است

تجدیدنظر جدی‌تری در مبانی تاریخ‌نگاری صورت پذیرد و برای این کار می‌باید ابتدا شماری کلی تاریخ‌نگاری معاصر جهان را بطور جدی مورد ارزیابی و نقد قرار داد و سپس به ارائه مطالبی درخصوص تاریخ ایران اقدام نمود.

در این راستا حضور دوساله مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب در دانشگاههای کالیفرنیا و پرینستون ارائه دروس متعدد در زمینه‌های تاریخ اسلام، کلام و مذاهب و تاریخ تصوف اشتغال او در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و ارائه دروس نقد ادبی در دانشکده هنرهای دراماتیک موجبات تحول در اندیشه‌های او را در پی داشت. وی که به خوبی با تاریخ‌نگاری کهن مانوس بود با شیوه‌های جدید تحقیق و تحلیل تاریخ نیز پیوند خورد. تالیف کتابهایی چون دو قرن سکوت، تاریخ ایران بعد از اسلام، تاریخ مردم ایران، بامداد اسلام، کارنامه اسلام در زمینه تاریخ و شعر بی دروغ شعر بی نقاب، با کاروان حله، از کوچه زندان، فرار از مدرسه و... در زمینه‌های ادبیات و چاپ کتابی چون از چیزهای دیگر (مجموعه نقد، یادداشت، بررسی و نمایشواره) پیوند او را با دنیای کهن و جدید نشان می‌دهد. ارائه نظرات پیشگامان تاریخ‌نگاری در مقاله «درباره تاریخ» و کتاب تاریخ در ترازو تلاش او را برای یافتن شیوه‌های جدید علمی تاریخ‌نگاری در جهان معاصر بیان می‌کند. معنالک با توجه به آنچه دکتر زرین کوب در کتابهای تاریخ مردم ایران (ایران باستان) و تاریخ ایران بعد از اسلام می‌نویسد می‌توان علاقه و پیوستگی او را با تاریخ‌نگاری کهن به وضوح دید و با تلاشهای او در تاریخ در ترازو می‌شود او را مورخ حفاصل بین پیرنیا و مورخان دیگری چون مرحوم دکتر جانری دانست.

وجه تمایز دکتر زرین کوب با مورخان چون پیرنیا و اقبال در توجه او به فلسفه تاریخ است. به نظر وی تاریخ در مسیر



## زرین کوب تلاش برای بیان علمی تاریخ

○ دکتر مسعود مرادی

عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تکاملی بشر سیر می‌کند او می‌نویسد: «در طی تمام این ادوار تکامل که در پس پشت انسان هسته انسان همواره از تاریخ این انتظار را داشته است که هم حس کنجکاوی او را ارضاء کند و هم در آنچه بوضع حاضر و آینده تعلق دارد وی را هدایت کند.» (زرین‌کوب، از چیزهای دیگر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶، ص ۲۷) بدینگونه اظهار یک دیدگاه کلی در باب فلسفه تاریخ نگرش ایتولوژیک به تاریخ را خاطر نشان می‌گردد برای این نظرگاه به کلمات دیگری چون «آینه عبرت»، «خودآگاهی»، «بررسی غایت و معنی حوادث تاریخی»، «قطعیات احکام تاریخی»، «برمی‌خوریم. زرین‌کوب بین قطعیت تاریخ و ضرورت رابطه‌ای بیان می‌کند که حاکی از ارتباط منطقی در روابط بین پدیده‌های اجتماعی است. از همین نظرگاه رخ نلان و وقوع یک انقلاب یا تحول اجتماعی توجیه‌پذیر می‌گردد. او می‌گوید: «تحول و انقلابی که در یک جامعه روی می‌دهد ضرورتی است ناشی از شرایط و احوالی که مقدمه حصول آن تحول بوده‌اند.» (همان، ص ۲۸) از دید زرین‌کوب تحول سیر طبیعی است، مقدمات و علل لازم دارد اما انقلاب علل و اسبابی که قابل پیش‌بینی باشد ندارد و «حصول بعضی اسباب ممکن است وقتی منتهی به انقلاب بشود و اوقات دیگر همان اسباب حاصل بیاید اما منجر به انقلاب نشود». اما او خود معتقد می‌شود که انقلاب عبارت است از «یک تحول که سرعت بیشتری یافته است». این سرعت به تعبیر وی مقابله‌ناپذیر و رام‌شدنی است.

شادروان زرین‌کوب به نقل از بولیوس و بیهقی تاریخ را عبارت از حقیقت‌جویی می‌داند و بر استفاده از شواهد و مدارک مبتنی بر حقیقت تکیه دارد. به تعبیر وی تاریخ فاقد حقیقته چیزی جز اوام و اغراض گمراه‌کننده نیست. او معتقد است برای درک حقیقت و استفاده از روایات صحیح و بدون غرض بایستی از علوم دیگر نظیر روانشناسی، جامعه‌شناسی، باستانشناسی و امثال آنها بهره جست.

طی قرن گذشته مباحث متعددی بر سر علم بودن یا نبودن تاریخ میان دانشمندان علوم اجتماعی و سایر علوم صورت گرفته است. گاهی تاریخ به همانندی با شعر و گاهی همانند علمی نظیر زمین‌شناسی و جغرافیا اخترشناسی، گیاه‌شناسی و جانورشناسی و گاهی به مثابه تجربه یک فیلسوف در نظر گرفته شده است. دکتر زرین‌کوب می‌گوید: «اگر درست است که شناسایی فقط وقتی علم می‌شود که از یک طرف بین پدیده‌های مختلف رابطه علت و معلول برقرار کند و از طرف دیگر ملاک و معیاری برای تشخیص «خطا» و «صواب» داشته باشد تاریخ می‌تواند علم بشمار آید.» (همان ماخذ ص ۶۷). از آنجائیکه کار مورخ بررسی و مطالعه اسناد از لحاظ صحت و درستی، صواب و خطا، اصالت و... می‌باشد و در تنوین تاریخ نیز به ناچار گزینشگری می‌کند مانند سایر علوم عمل خواهد کرد. تفاوتی که زرین‌کوب خاطر نشان می‌کند مطالعه انسان در تاریخ به عنوان یک کل و یک موجود متفکر و خودآگاه است. این مسئله سبب تفاوت عمده تاریخ با سایر علوم است که به مطالعه انسان می‌پردازند. او می‌گوید: «مورخ حتی اگر در بحث راجع به منشأ نژادها یا در مسأله راجع به سقوط و انقراض بعضی ملت‌ها، در مسائل مربوط به بیولوژی یا وظائف الاعضاء نیز وارد می‌شود باز نظر به موجود متفکر دارد، نه اعضا و جهازات جسمانی یا نفسانی او.» (همان ماخذ ص ۶۸). و از همین دیدگاه وی به علمی بودن تاریخ اذعان داشته زیرا که مانند سایر علوم در تاریخ شناخت موضوع مبتنی بر شناخت تحول و تکامل جامعه انسانی است «که اگر بر نقد درست اسناد و بر توجیه مبتنی بر اصل علیت شامل باشد می‌توان گفت در حد امکان یک تاریخ، جنبه علمی دارد.» (همان ماخذ ص ۷۰). منسجم‌ترین مجموعه‌ای که اندیشه‌های دکتر زرین‌کوب

در خصوص تاریخنگاری و تاریخنگاری به وضوح بیان می‌کند کتاب تاریخ در ترازو است که برای اولین بار در سال ۱۳۵۴ توسط انتشارات امیرکبیر در تهران به چاپ رسید. خود وی این کتاب را مقدمه‌ای بر مسایل تاریخنگاران و تاریخنگاری می‌داند و قشر مورد خطاب را دانشجویان جوان معرفی می‌نماید. نگاهی اجمالی به فهرست مندرجات این کتاب خواننده را متوجه گستردگی و تنوع مباحث آن می‌نماید. فایده تاریخ، لذت یا شناخته مقایسه تاریخ و اسطوره، بررسی سنت‌های تاریخنویسی، تاریخ‌نویسی در نزد یونانیان و رومیان در اروپای پس از دنیای کهن، مباحثی پیرامون بازجویی و بازآفرینی رخدادهای تاریخی، وجوه اشتراک تاریخ و شناخت‌شناسی، نقد و ارزیابی تاریخ و تاریخنویسی، مباحثی از فلسفه نظری تاریخ با عنوان اندیشه تاریخنگاری، اتوپیا و تاریخ با عنوان افق‌های ناکجا آباد و سرانجام مباحثی چون جنگ در تاریخ، تعلیم ماکاولی، تسامح از دیدگاه گاندی، انقلاب اخلاقی، تمسک واحد و تاریخ یعنی برخورد رنجبر و مایه‌ور از مباحث دیگری هستند که با عنوان «کارنامه تاریخ» در این کتاب مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرند.

مباحث ارزنده و متنوعی که دکتر زرین‌کوب ارائه داده است قابل تأمل بسیار می‌باشد و مسلماً می‌تواند راهگشای بسیاری از سوالات در زمینه‌های متنوعی در علم تاریخ باشد. به عبارت دیگر این کتاب می‌تواند پاسخگوی دروسی چون فلسفه تاریخ، تاریخنگاری و کلیات علم تاریخ باشد، منوط به تدوینی مجدد و تلاش گسترده‌ای که آنرا از عنوان مقدمه‌ای بر تاریخنگاری و تاریخ‌نگاری به کتابی جامع در این مبحث تبدیل



**ارائه نظرات پیشگامان تاریخنگاری در مقاله «ترازو تاریخ» و کتاب تاریخ در ترازو تلاش او را برای یافتن شیوه‌های جدید علمی تاریخنگاری در جهان معاصر بیان می‌کند**

**وجه تمایز دکتر زرین‌کوب با مورخان چون پیرنیا و اقبال در توجه او به فلسفه تاریخ است**

نماید. بحث هفتم این کتاب تحت عنوان «تاریخ و شناخت» چشم‌اندازی از طرح علمی تاریخ بدست می‌دهد که به منظور تکمیل و اتمام این مقال بدان اشاره می‌گردد.

به تعبیر مرحوم زرین‌کوب تردیدی برای علمی بودن تاریخ وجود ندارد اما این بدان معنی نیست که قطعیت علمی آن همانند سایر علوم است و تنها در علوم مربوط به طبیعت می‌توان از رابطه ریاضی به مثابه قانون بین پدیده‌ها سخن گفت. اما تاریخ که بر اساس مدارک و شواهد سخن می‌گوید نمی‌تواند تصویر کاملی از هر واقعه بدست دهد و بسیاری از حوادث و رخدادهای تاریخی بر مورخ مجهول مانده و خواهد ماند. از آنجا که سر و کار تاریخ با امور جزئی و فردی است مانع اصلی بر قانونمند بودن و تجربه‌پذیری آن خواهد بود. چرا که حوادث تاریخی منحصر به فرزند و به صورت واقعی نیز تکرار نمی‌گردند بعلاوه تاریخ نمی‌تواند جامعه انسانی را به عنوان یک پدیده ثابت و بی‌حرکت مطالعه کند و این همه کار تاریخ را به عنوان علم مشکل می‌کند. در عین حال نتیجه‌ای که می‌گیرد چندان نا امیدکننده نیست به همین خاطر است که می‌گوید: «در هر صورت تاریخ - به عنوان مجموعه رویدادهای گذشته - هرچند نمی‌تواند به قانون منتهی شود و تجربه‌ای هم که احياناً از آن حاصل تواند شد؛ می‌بایست با نهایت احتیاط مورد توجه قرار گیرد باز این امر به هیچ وجه نمی‌تواند امکان علمیت تاریخ را بکلی نفی کند.» (زرین‌کوب، تاریخ در ترازو. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۱۲۱). وی برای توضیح این مطلب معتقد است «در هر نوع تبیین که بتوان بین آنچه خطاست و آنچه حقیقت است فرق گذاشت نتیجه علمی است» (همان ماخذ ص ۱۲۱). این نتیجه علمی بدلیل آن است که اگر مورخ نتواند رابطه میان پدیده‌ها را با علیت تام برقرار کند ولی قادر خواهد بود علیت جزئی برقرار نماید که برای علمی بودن می‌تواند اعتبار داشته باشد.

بدینگونه دکتر زرین‌کوب به ظریف‌ترین حلقه ارتباط تاریخ با علم استاد کرده و به ذکر آن بسننه می‌نماید. وی در بیان نظرات صریح و روشن در باب مسایل تاریخی همواره تردید داشت و در بسیاری از نوشته‌های وی خواننده به نظر قطعی ایشان راه پیدا نمی‌کند. چنین به نظر می‌رسد که ایشان درصدد ایجاد پرسش در ذهن خواننده بوده‌اند. این مسئله در بیان نظریه‌های مربوط به فلسفه تاریخ، علمی بودن تاریخ، ارتباط تاریخ با علوم دیگر و بحث‌های دیگری نظیر اتوپیا یا به تعبیر خودشان ناکجاآباد و ارتباط تاریخ با اسطوره‌ها خود را کاملاً نشان می‌دهد. به عبارت دیگر زرین‌کوب به هنگام طرح مباحث مهمی در اندیشه تاریخنگاری تلاش می‌کند خواننده را رها کرده و او را با طرح نظرات متعدد به تفکر وادار تا ضمن اینکه نظر قاطع نماند باشد خواننده با نظرات متفکرین این علم آشنا شده و نهایتاً خود به نتیجه برسد. از همین روست که در طرح مسائل مربوط به علمی بودن تاریخ و تردیدهایی که در این زمینه وجود دارد به ظریف‌ترین حلقه ارتباط علمی یعنی بررسی مسئله علیت در تاریخ اشاره می‌کند. در حالی که مسائل عینیت، ذهنیت تجربه‌پذیری، نقدپذیری، واقعیت حقیقت و تعمیم‌پذیری در تاریخ کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

شادروان زرین‌کوب از نادر مورخان است که به طرح اندیشه‌ای نوین در تاریخنگاری پرداخته است و سهم بسزایی در گسترش اندیشه تفکر علمی تاریخ و فلسفه انتقادی آن داشته است. ادامه کار ارزشمند او تنها از طریق نقد علمی و گسترش و تعمیق این مباحث ارزشمند ممکن است که ان‌شاءالله با همت مورخان پرتلاش کشور حاصل خواهد شد.